

بررسی میزان آگاهی رؤسای آموزش و پرورش استان مازندران از مبانی فلسفی برنامه‌ریزی درسی و اصول یادگیری به‌منظور ارایه الگوی عملی

حبیب‌الله نجفی هزارجریبی¹، محمدرضا سرمدی²، زهرا یونسی قلعه³

چکیده

پژوهش حاضر به‌منظور بررسی میزان آگاهی رؤسای آموزش و پرورش استان مازندران از مبانی فلسفی برنامه‌ریزی درسی و اصول یادگیری به‌منظور ارایه الگوی عملی جهت ارتقای دانش و مهارت‌های آنان در سال تحصیلی 90-89 انجام شد. این پژوهش به‌صورت زمینه‌ای و با هدف کاربردی انجام شد و 28 نفر از رؤسای آموزش و پرورش استان مازندران که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی از میان جامعه آماری ($N = 32$) انتخاب شده‌اند، به پرسش‌نامه محقق ساخته که حاوی 23 سؤال چهار گزینه‌ای در حوزه مبانی فلسفی برنامه‌ریزی درسی و اصول یادگیری بوده‌است، پاسخ داده‌اند. و نتایج به‌دست آمده با- استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار، فراوانی و درصد فراوانی) و آمار استنباطی (t تک گروهی و t برای دو گروه مستقل) مورد بررسی قرار گرفتند.

عمده‌ترین یافته‌های پژوهش، بیانگر این است که میزان آگاهی رؤسای آموزش و پرورش استان مازندران از مبانی فلسفی برنامه‌ریزی درسی با کسب میانگین 10,23 (در مقیاس 20) و میزان آگاهی آنان از اصول یادگیری با کسب میانگین 11/33 (در مقیاس 20) در حد متوسط بوده‌است. همچنین با وجود تفاوت در میانگین‌های به‌دست آمده از میزان آگاهی رؤسای آموزش و- پرورش از مبانی فلسفی برنامه‌ریزی درسی و اصول یادگیری بر حسب رشته تحصیلی (مرتبط با علوم تربیتی و غیر مرتبط با علوم تربیتی) و مدرک تحصیلی (لیسانس و فوق لیسانس)، تفاوت معناداری مشاهده نشده‌است.

واژه‌های کلیدی: مبانی فلسفی برنامه‌ریزی درسی، اصول یادگیری، رؤسای آموزش و پرورش استان مازندران

1- استادیار و عضو هیأت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه پیام‌نور Email: hnh_Dr@yahoo.com

2- دانشیار و عضو هیأت علمی گروه علوم تربیتی سازمان مرکزی پیام‌نور. Email: ms84sarmadi@yahoo.com

3- مدرس دانشگاه پیام‌نور گلستان. Email: zunisi123@yahoo.com

مقدمه

نمایند، که این امر مستلزم داشتن دانش و آگاهی، هم در حوزه‌ی مدیریتی و هم در حوزه‌ی آموزشی است. به‌طوری‌که میر کمالی (1386) معتقد است، "مدیران آموزشی برای مؤثر انجام دادن کار خود، هم‌چون سایر حرفه‌ها، نیازمند شایستگی و توانایی ویژه می‌باشند. به‌عبارت دیگر به‌جهت این‌که با آموزش و تعلیم و تربیت سروکار دارند، باید با بافت و ساخت آموزش و پرورش جامعه، اهداف و اصول آن آشنا باشند و دانش و تخصص لازم را در حرفه آموزش و پرورش کسب کنند." تا بتوانند در ایفای مسوولیت خطیری که در امر نظارت بر اجرای برنامه‌های آموزشی در آموزشگاه‌ها و پیشبرد اهداف تعلیم و تربیت برعهده دارند، موفق باشند و از بروز هرنوع مشکل در نظام آموزشی جلوگیری نمایند.

پر واضح است که "بسیاری از مشکلات آموزشی، افت تحصیلی و ترک تحصیل که دست به‌گیریان نظام آموزشی است ناشی از عدم شناخت مربیان و مجریان برنامه‌های آموزشی و درسی از مبانی علمی برنامه‌ریزی درسی، اصول یادگیری، مفهوم یادگیری و عدم ارزیابی و بررسی دقیق نظریه‌های یادگیری است." (یارمحمدیان، 1377، 60)

بنابراین ضروری است، مدیران آموزشی ضمن شناخت و آگاهی از مهارت‌های حوزه‌ی مدیریتی از مهارت‌های حوزه‌ی آموزشی نیز برخوردار باشند، زیرا حیات نظام آموزش و پرورش تا حدود زیادی به مهارت‌ها و آگاهی‌های آنان بستگی دارد. ازجمله، آگاهی و شناخت آنان از

نیاز به مدیریت و رهبری در زمینه‌های فعالیت اجتماعی محسوس و حیاتی است و "اهمیت آن درطول تاریخ حیات آدمی به‌گونه‌ای است که می‌توان سیر حرکت تکاملی و رشد و تعالی جوامع انسانی و یا زوال و افول اقوام بزرگ تاریخی را با خصایص و نقش رهبران و مدیران جامعه و شیوه‌های مدیریت آنان مرتبط دانست" (نوربخش دهکردی، 1383، 220) به-عبارتی تحقق اهداف و ایجاد تحول در امور، با مدیریت صحیح و علمی مدیران امکان‌پذیر است؛ نیازبه چنین مدیریتی به‌ویژه در نظام‌های آموزش و پرورش اهمیت بسیار دارد، زیرا مدیریت آموزش و پرورش در حقیقت کوششی خردمندانه برای بالابردن کیفیت تعلیم و تربیت انسان‌هایی است که بار سنگین تحول و پیشرفت فردی و جمعی را بر دوش دارند.

بنابراین باتوجه به این‌که مدیران آموزشی نقش نافذ و مؤثری در امر هدایت و رهبری فراگردهای آموزش و پرورش در جهت هدف‌های سازمان (تعلیم و تربیت) برعهده دارند؛ برای موفقیت و اتخاذ تصمیم‌های درست در کار باید ضمن برخورداری از دانش نظری از فراگرد مدیریت و ساختار سازمان، از انواع مهارت‌ها و شایستگی‌ها در زمینه آموزشی نیز برخوردار باشند.

به‌عبارتی دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش خصوصاً مدیران آموزشی غالباً با یکسری مسایل تربیتی درحین کار مواجه می‌شوند که ناگزیرند آنها را آگاهانه تجزیه و تحلیل نمایند و تصمیم‌های مناسب را اتخاذ-

ولی‌پور، (1386) در پژوهشی به بررسی مقایسه‌ای آگاهی معلمان دوره‌ی راهنمایی و متوسطه شهرستان بهشهر از مبانی برنامه‌ریزی درسی و اصول یادگیری پرداخته و دریافته است: به‌طورکلی میزان آگاهی معلمان دوره‌ی راهنمایی و متوسطه از مبانی برنامه‌ریزی درسی و اصول یادگیری با کسب میانگین 10/83 (در مقیاس 20 نمره‌ای) در حد متوسط می‌باشد. بین میزان آگاهی معلمان دوره‌ی راهنمایی و متوسطه از مبانی فلسفی برنامه‌ریزی درسی و اصول یادگیری تفاوت چندانی مشاهده نگردید.

دایی‌زاده (1385) در پژوهشی به بررسی میزان آشنایی معلمان دوره‌ی متوسطه از مبانی برنامه‌ریزی درسی و اصول یادگیری در سطح معلمان مقطع متوسطه در استان مازندران پرداخته و به نتایج زیر دست یافته است: به‌طورکلی میزان شناخت معلمان از مبانی برنامه‌ریزی درسی و اصول یادگیری با میانگین 10/89 (در مقیاس 20 نمره‌ای) در حد متوسط بوده است. بین میانگین نمره‌ها برحسب متغیرهای جنسیت، مدرک تحصیلی، رشته تحصیلی و سابقه خدمت، تفاوت معنادار وجود دارد. به‌طوری‌که میزان آگاهی معلمان مرد بیشتر از معلمان زن می‌باشد و دارندگان مدرک تحصیلی فوق‌لیسانس و بالاتر نسبت به مدارک تحصیلی پایین‌تر از آگاهی بیشتری برخوردارند. همچنین معلمانی که سابقه‌ی خدمتشان بین 10 تا 19 سال است نسبت به آنهایی که دارای سابقه‌ی خدمت 20 تا 29 سال می‌باشد و فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم تربیتی و روان‌شناسی نسبت به سایر رشته‌ها آگاهی بیشتری

مبانی فلسفی برنامه‌ریزی درسی و اصول یادگیری است. زیرا "استقرارپویا و تداوم مطلوب نظام آموزش و پرورش شدیداً متأثر از چگونگی و کیفیت برنامه‌ریزی در آن می‌باشد و برنامه‌ریزی فعالیت‌های یاددهی و یادگیری در این میان، اساسی‌ترین آنها است؛ لذا تنظیم و شکل‌دهی مطلوب برنامه‌درسی مستلزم توجه همه‌جانبه مدیران و معلمان و مجریان برنامه‌درسی به مبانی فلسفی برنامه‌ریزی درسی و اصول یادگیری می‌باشد." (ولی‌پور، 1386)

از این‌رو برنامه‌ریزی درسی و مبانی آن جایگاه ویژه‌ای در آموزش و پرورش دارد؛ و مدیران می‌توانند با آگاهی و شناخت از فلسفه آموزش و پرورش، اهداف و سلسله مراتب آن و اصول یادگیری، با روشن‌بینی و بصیرت در جهت نظم‌دهی تفکر و اقدام برای رشد و پیشرفت برنامه‌های آموزشی و درسی که مبتنی بر دیدگاه‌های فلسفی می‌باشند، گام برداشته و با کنترل، نظارت و ارزیابی دقیق از عملکرد مدیران آموزشی در مدارس، در جهت اجرای مؤثر برنامه‌های آموزشی و درسی و ارتقای کیفیت یادگیری، جریان آموزش و یادگیری را هدایت و زمینه رشد و پرورش فراگیران را تسهیل نمایند؛ تا بدین ترتیب موجبات پرورش قدرت تحرک و سازندگی نظام آموزش و پرورش و در نهایت پیشرفت سیستم آموزشی و پرورشی را فراهم نمایند. لذا هرچه در این زمینه علمی‌تر و روزآمدتر باشند، می‌توانند وظیفه خطیر خود را به‌نحو شایسته به انجام رسانند.

یادگیری و به‌کارگیری آنها در تدریس یادآوری کرد که میزان شناخت اعضای هیأت علمی رشته‌های علوم انسانی از نظریه‌های یادگیری در سطح بالاتر از متوسط بوده و اعضای هیأت علمی با رشته‌های مرتبط (علوم تربیتی و روان‌شناسی) و شرکت‌کننده در کارگاه‌های آموزشی در زمینه‌ی شناخت و به‌کارگیری نظریه‌های یادگیری موفق‌تر از بقیه‌ی رشته‌ها بوده‌اند.

سمیعی (1365) در پژوهشی میزان آگاهی مربیان مدارس عالی تهران از تدریس را مورد-بررسی قرارداد و دریافته‌است که سابقه‌ی کار از عوامل مؤثر بر میزان آگاهی مربیان از روش‌های تدریس است و همچنین افزایش سابقه‌ی کار، سطح تحصیلات و شرکت در دوره‌های کوتاه-مدت آموزشی باعث افزایش آگاهی مربیان از روش‌های تدریس شده‌است.

هانگ^۱ (1996) در پژوهشی با مطالعه‌ی توانمندی‌ها و محدودیت‌های معلمان برای مشارکت در برنامه‌ریزی درسی مدارس ابتدایی کره، کارآمدی برنامه‌ی درسی را منوط به مشارکت افراد و گروه‌های متخصص و توجه به نظرهای معلمان و مدارس به‌عنوان مشارکت‌کنندگان در فرآیند تهیه‌ی برنامه‌درسی دانسته و بر افزایش آگاهی معلمان و دیگر عوامل مدرسه در زمینه‌ی برنامه‌ریزی درسی تأکید کرده‌است. همچنین طی اجرای پژوهش، به سؤال‌های زیر به‌منظور دستیابی به اهداف یاد شده، پاسخ داده‌شد.

دارند. محمداوغلی (1388) در تحقیقی باعنوان «مطالعه میزان آشنایی معلمان دوره‌ی ابتدایی از نظریه‌های یادگیری و مکتب‌های فلسفی و کاربرد آنها در تدریس» در شهرستان سراب به این نتیجه رسید که میزان آشنایی از نظریات یادگیری و مکاتب فلسفی در موفقیت و نوآوری در تدریس مؤثر است. آزمودنی‌ها با درصد بالایی تأثیر سابقه‌تدریس بر میزان آشنایی و کاربرد از نظریه‌های یادگیری و مکاتب فلسفی را مورد تأیید قرار داده‌اند. مدرک تحصیلی نیز در میزان آشنایی و کاربرد از نظریه‌های یادگیری و مکاتب فلسفی تأثیر دارد.

عابدی (1383) در تحقیقی باعنوان «میزان آشنایی معلمان دوره‌ی ابتدایی شهر اصفهان با نظریه‌های یادگیری و نحوه‌ی به‌کارگیری آن در فرآیند تدریس» به این نتایج رسیده‌است که: میزان معلومات معلمان دوره‌ی ابتدایی شهر اصفهان از نظریه‌های یادگیری در سطح پایین‌تر از متوسط است و میزان آشنایی و کاربرد نظریه‌های یادگیری در فرآیند تدریس توسط معلمان زن دارای مدرک تحصیلی لیسانس نسبت به دیپلم و فوق دیپلم، و معلمان تحصیل کرده در رشته‌های مرتبط (رشته‌های علوم تربیتی) از معلمان مرد، رشته‌های غیرمرتبط، بیش‌تر است. در نهایت بین معلومات و آگاهی معلمان دوره‌ی ابتدایی از نظریه‌های یادگیری و مدت سابقه تدریس آن‌ها تفاوت معناداری وجود ندارد.

سبحانی (1382) در پژوهشی ضمن بررسی میزان شناخت اعضای هیأت علمی رشته‌های علوم انسانی دانشگاه‌های تهران از نظریه‌های

^۱. Hong

6. آیا میزان آگاهی رؤسای آموزش و پرورش استان مازندران، از اصول نظریه‌های یادگیری با رشته تحصیلی آنها (مرتبط و غیرمرتبط با علوم تربیتی) رابطه دارد؟

روش پژوهش

باتوجه به هدف و سؤال‌های اساسی مطرح شده در این مطالعه، روش انجام پژوهش زمینه‌ای بوده که در خلال آن به سنجش میزان آگاهی رؤسای آموزش و پرورش استان مازندران از مبانی فلسفی برنامه‌ریزی درسی و اصول یادگیری و تحلیل آن پرداخته شده است.

جامعه پژوهش کلیه رؤسای آموزش و پرورش استان مازندران می‌باشد که در سال تحصیلی 90-89 مشغول خدمت بوده‌اند و مشخصات کامل آنان در جدول 1 درج شده است.

جدول 1- جمعیت رؤسای آموزش و پرورش استان مازندران

ردیف	جنسیت	تعداد	درصد نسبت به کل
1	مرد	31	96,88%
2	زن	1	3,12%
	جمع کل	32	100%

توجه به جنسیت، مدرک و رشته تحصیلی در جدول 2 مندرج می‌باشد.

1. آگاهی رؤسای آموزش و پرورش استان- مازندران از مبانی فلسفی برنامه‌ریزی درسی به چه میزان است؟

2. آگاهی رؤسای آموزش و پرورش استان- مازندران از اصول نظریه‌های یادگیری به چه میزان است؟

3. آیا میزان آگاهی رؤسای آموزش و پرورش استان مازندران، از مبانی فلسفی برنامه‌ریزی درسی با مدرک تحصیلی آنها رابطه دارد؟

4. آیا میزان آگاهی رؤسای آموزش و پرورش استان مازندران، از اصول نظریه‌های یادگیری با مدرک تحصیلی آنها رابطه دارد؟

5. آیا میزان آگاهی رؤسای آموزش و پرورش استان مازندران، از مبانی فلسفی برنامه‌ریزی- درسی با رشته تحصیلی آنها (مرتبط و غیر- مرتبط با علوم تربیتی) رابطه دارد؟

نمونه مورد نظر با روش تصادفی و با استفاده از جدول مورگان به تعداد 28 نفر از جامعه آماری مذکور تعیین گردیده است که مشخصات آنان با-

جدول ۲- توصیف جمعیت‌شناختی نمونه تحقیق

شاخص	مقوله	تعداد	درصد نسبت به کل	جمع کل
جنسیت	مرد	26	96,88%	27
	زن	1	3,12%	
مدرک تحصیلی	لیسانس	19	70/4	27
	فوق لیسانس	8	29/6	
رشته تحصیلی	مرتبط با علوم تربیتی	12	44/4	27
	غیرمرتبط با علوم تربیتی	15	55/6	

اساتید و کارشناسان مورد تأیید قرار گرفته و پایایی آزمون نیز با فرمول کودر ریچارسون محاسبه و سپس در اختیار تمامی افراد نمونه قرار گرفت و پرسشنامه‌های 27 نفر از نمونه مورد نظر پس از پاسخگویی جمع‌آوری گردید اما یک پاسخنامه به دلیل عدم همکاری مدیر محترم دریافت نشده است.

در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات و داده‌ها از دو ابزار به شرح زیر استفاده شده است: آزمونی (محقق ساخته‌ای) حاوی 23 سؤال از مؤلفه‌های مربوط به مبانی فلسفی برنامه‌ریزی درسی و اصول یادگیری تدوین شد که سؤالات 1 تا 11 مربوط به مبانی فلسفی برنامه‌ریزی درسی و سؤالات 12 تا 23 مربوط به اصول یادگیری بوده است. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه توسط

یافته‌ها

جدول 3- توزیع شاخص‌های گرایش مرکزی و شاخص‌های پراکندگی میزان آگاهی رؤسای آموزش و پرورش از مبانی فلسفی برنامه‌ریزی درسی و اصول یادگیری

متغیرها	میانگین	میانه	نما	انحراف معیار	واریانس	حداکثر نمره	حداقل نمره
مبانی فلسفی	10/23	9/09	9/09	3/77	14/27	18/18	3/64
اصول یادگیری	11/33	12/30	12/31	4/41	19/50	16/92	1/54

مشاهده شد و میانگین نمره اصول یادگیری رؤسای آموزش و پرورش 11/33 از 20، میانه 12/30 و نما 12/31، حداکثر نمره 16/92 و حداقل نمره 1/54 مشاهده شد.

همان‌طوری که داده‌های جدول و نمودار فوق نشان می‌دهند، میانگین نمره مبانی فلسفی برنامه‌ریزی درسی مدیران آموزش و پرورش، 10/23 از 20، میانه و نما 9/09، حداکثر نمره کسب شده در این متغیر 18/18 و حداقل نمره 3/64

سؤال 1: آگاهی رؤسای آموزش و پرورش استان - چه میزان می باشد؟
مازندران از مبانی فلسفی برنامه ریزی درسی به

جدول 4- میزان آگاهی رؤسای آموزش و پرورش استان مازندران از مبانی فلسفی برنامه ریزی درسی

میانگین ها	نمره میانگین	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری sig	مقدار آلفا a
بدست آمده	10/23	0/32	26	0/0/74	0/05
مقیاس	10				

مشاهده شد؛ لذا با 95 درصد اطمینان می توان
قضاوت کرد که میزان آگاهی رؤسای آموزش و
پرورش استان مازندران از مبانی فلسفی برنامه -
ریزی درسی در حد انتظار می باشد.

سؤال دوم: آگاهی رؤسای آموزش و پرورش
استان مازندران از اصول نظریات یادگیری به چه -
میزان می باشد؟

همان طوری که داده های جدول فوق نشان می -
دهد، میزان آگاهی رؤسای آموزش و پرورش
استان مازندران در خصوص مبانی فلسفی برنامه -
ریزی درسی برابر با 10/23 از 20 نمره می باشد،
بدر نظر گرفتن میانگین مقیاس که 10 می -
باشد، آزمون t تک نمونه تفاوت بین دو میانگین
را معنادار نشان نداده است؛ چرا که سطح
معناداری مشاهده شده برابر با $p = 0/74$ از مقدار
آلفای در نظر گرفته شده برابر با $a = 0/05$ بزرگتر

جدول 5- میزان آگاهی رؤسای آموزش و پرورش استان مازندران از اصول یادگیری

میانگین ها	نمره میانگین	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری sig	مقدار آلفا a
بدست آمده	11/33	1/57	26	0/12	0/05
مقیاس	10				

معناداری مشاهده شده برابر با $p = 0/12$ از مقدار
آلفای در نظر گرفته شده برابر با $a = 0/05$ بزرگتر
مشاهده شد؛ لذا با 95 درصد اطمینان می توان
قضاوت نمود که میزان آگاهی رؤسای آموزش و
پرورش استان مازندران از اصول یادگیری هم در -
حد انتظار می باشد.

همان طوری که داده های جدول فوق نشان می -
دهد، میزان آگاهی رؤسای آموزش و پرورش
استان مازندران در خصوص اصول یادگیری برابر
با 11/33 از 20 نمره می باشد، با در نظر گرفتن
میانگین مقیاس که 10 می باشد. هر چند
میانگین حاصل کمی بیشتر از میانگین مقیاس
است اما آزمون t تک نمونه تفاوت بین دو
میانگین را معنادار نشان نداده است؛ چرا که سطح

سؤال 3: آیا میزان آگاهی رؤسای آموزش و پرورش استان‌های مازندران از مبانی فلسفی برنامه‌ریزی درسی با مدرک تحصیلی آنها رابطه دارد؟

جدول 6- میزان آگاهی رؤسای آموزش و پرورش از مبانی فلسفی برنامه‌ریزی درسی به تفکیک مدرک تحصیلی

مدرک تحصیلی	نمره میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری sig	مقدار آلفا a
لیسانس	10/62	3/89	0/81	25	0/42	0/05
فوق لیسانس	9/31	3/56				

با $a=0/05$ بزرگتر مشاهده شد؛ لذا با 95 درصد اطمینان می‌توانیم قضاوت کنیم که میزان آگاهی رؤسای آموزش و پرورش استان‌های مازندران دارای مدرک تحصیلی لیسانس و فوق لیسانس از مبانی فلسفی برنامه‌ریزی درسی حدوداً یکسان است.

سؤال 4: آیا میزان آگاهی رؤسای آموزش و پرورش استان‌های مازندران از اصول یادگیری با مدرک تحصیلی آنها رابطه دارد؟

همان‌طوری که داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد، میزان آگاهی رؤسای آموزش و پرورش استان‌های مازندران، دارای مدرک تحصیلی لیسانس در خصوص مبانی فلسفی برنامه‌ریزی درسی برابر با 10/62 از 20 و فوق لیسانس برابر با 9/31 از 20 می‌باشد، با توجه به این که آزمون t مستقل تفاوت بین دو میانگین را معنادار نشان نداده است؛ چراکه سطح معناداری مشاهده شده برابر با $p=0/42$ از مقدار آلفای در نظر گرفته شده برابر

جدول 7- میزان آگاهی رؤسای آموزش و پرورش از اصول یادگیری به تفکیک مدرک تحصیلی

مدرک تحصیلی	نمره میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری sig	مقدار آلفا a
لیسانس	11/17	3/72	0/29	25	0/77	0/05
فوق لیسانس	11/73	6/03				

معناداری مشاهده شده برابر با $p=0/77$ از مقدار آلفای در نظر گرفته شده برابر با $a=0/05$ بزرگتر مشاهده شد؛ لذا با 95 درصد اطمینان می‌توان قضاوت کرد که میزان آگاهی رؤسای آموزش و پرورش استان‌های مازندران با مدرک تحصیلی لیسانس و فوق لیسانس از اصول یادگیری حدوداً یکسان است.

همان‌طوری که داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد، میزان آگاهی رؤسای آموزش و پرورش استان‌های مازندران با مدرک تحصیلی لیسانس در خصوص اصول یادگیری برابر با 11/17 از 20 و فوق لیسانس برابر با 11/73 از 20 می‌باشد، با توجه به این که آزمون t مستقل تفاوت بین دو میانگین را معنادار نشان نداده است؛ چراکه سطح

سؤال 5: آیا میزان آگاهی رؤسای آموزش و پرورش استان مازندران، از مبانی فلسفی برنامه- ریزی درسی با رشته تحصیلی آنها (مرتبط و غیرمرتبط با علوم تربیتی) رابطه دارد؟

جدول 8- میزان آگاهی رؤسای آموزش و پرورش از مبانی فلسفی برنامه ریزی درسی به تفکیک رشته تحصیلی

رشته تحصیلی	نمره میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری	مقدار
مرتبط	11/21	3/70	1/21	25	sig	آلفا a
غیرمرتبط	9/45	3/77				0/05

درصد اطمینان می توان قضاوت نمود که میزان آگاهی رؤسای آموزش و پرورش استان مازندران با مدرک مرتبط و غیرمرتبط با علوم تربیتی از مبانی فلسفی برنامه ریزی درسی حدوداً یکسان است.

سؤال 6: آیا میزان آگاهی رؤسای آموزش و پرورش استان مازندران از اصول نظریه های یادگیری با رشته تحصیلی آنها (مرتبط و غیرمرتبط با علوم تربیتی) رابطه دارد؟

همان طوری که داده های جدول فوق نشان می- دهد، میزان آگاهی رؤسای آموزش و پرورش استان مازندران با مدرک مرتبط با علوم تربیتی در- خصوص مبانی فلسفی برنامه ریزی درسی برابر با 11/21 از 20 و غیرمرتبط با علوم تربیتی برابر با 9/45 از 20 می باشد، با توجه به این که آزمون t مستقل تفاوت بین دو میانگین را معنادار نشان- نداده است؛ چراکه سطح معناداری مشاهده شده برابر با $p = 0/23$ از مقدار آلفای در نظر گرفته شده برابر با $a = 0/05$ بزرگتر مشاهده شد؛ لذا با 95

جدول 9- میزان آگاهی رؤسای آموزش و پرورش از اصول یادگیری به تفکیک رشته تحصیلی

رشته تحصیلی	نمره میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری	مقدار آلفا
مرتبط	11/92	3/99	0/60	25	sig	a
غیرمرتبط	10/87	4/81				0/05

باشد، با توجه به این که آزمون t مستقل تفاوت بین دو میانگین را معنادار نشان نداده است؛ چراکه سطح معناداری مشاهده شده برابر با $p = 0/54$ از مقدار آلفای در نظر گرفته شده برابر با $a = 0/05$ بزرگتر مشاهده شد؛ لذا با 95 درصد اطمینان می-

همان طوری که داده های جدول فوق نشان می دهد، میزان آگاهی رؤسای آموزش و پرورش استان مازندران با مدرک مرتبط با علوم تربیتی از اصول یادگیری برابر با 11/92 از 20 و مدرک غیرمرتبط با علوم تربیتی برابر با 10/87 از 20 می-

در سطح پایین‌تر از متوسط قرار دارد، تأیید نمی‌کند.

به‌طور کلی، نتایج به‌دست آمده میزان شناخت در حد متوسط رؤسای آموزش و پرورش استان - مازندران از مبانی فلسفی برنامه‌ریزی درسی و اصول یادگیری را نشان می‌دهد و این نتایج مؤید در حد انتظار بودن میزان آگاهی آنان از موارد مذکور می‌باشد. لذا با توجه به نقش بسیار مهم مدیران آموزش و پرورش در امر ارزیابی و نظارت بر اجرای دقیق برنامه‌های درسی تدوین شده از سوی برنامه‌ریزان و فرآیند یاددهی - یادگیری و به‌طور کلی فرآیندهای آموزشی که دربرگیرنده انواع گوناگونی از تصمیم‌گیری‌ها و ارزشیابی‌های آموزشی، و تصمیم‌گیری خردمندان و ایجاد وضعیت مطلوب آموزشی است، این موضوع ضرورت آن را مطرح می‌سازد که سازمان آموزش و پرورش برای آشنایی و آگاهی هرچه بیشتر مدیران آموزش و پرورش با دانش روز در حوزه - ی مبانی فلسفی و روان‌شناختی برنامه‌ریزی درسی و اصول یادگیری، برنامه‌هایی را طراحی و اجرا نماید تا بدین وسیله زمینه‌ی آگاهی و شناخت رؤسا از موارد مذکور در دانشگاه یا در حین خدمت در کارگاه‌های آموزشی یا کلاس‌های ضمن خدمت فراهم شود.

نتیجه سؤال سوم مؤید آن است که میزان آگاهی رؤسای آموزش و پرورش استان مازندران از مبانی فلسفی برنامه‌ریزی درسی با مدرک تحصیلی لیسانس با کسب میانگین 10/62 در سطح بالاتری نسبت به مدارک تحصیلی بالاتر (فوق لیسانس) با کسب میانگین 9/31 قرار دارد.

توانیم قضاوت کنیم که میزان آگاهی رؤسای آموزش و پرورش استان مازندران دارای مدرک مرتبط و غیرمرتبط با علوم تربیتی از اصول یادگیری حدوداً یکسان است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتیجه سؤال اول نشان داد، میزان آگاهی و شناخت رؤسای آموزش و پرورش استان مازندران از مبانی فلسفی برنامه‌ریزی درسی با کسب میانگین 10/23 در حد متوسط قرار دارد. یعنی براساس این پژوهش آگاهی اکثر رؤسا از مبانی فلسفی برنامه‌ریزی درسی در حد انتظار بوده است. این نتایج با نتایج ولی‌پور (1386)، که معتقد بود میزان آگاهی معلمان دوره‌ی راهنمایی و متوسطه از مبانی فلسفی برنامه‌ریزی درسی در سطح ضعیف قرار دارد، هم‌خوانی ندارد. اما مؤید یافته‌های تحقیق دانی‌زاده (1385)، سمیعی (1365) است، آنان معتقد بودند میزان آگاهی معلمان دوره‌ی متوسطه از مبانی فلسفی برنامه‌ریزی درسی در سطح متوسط قرار دارد.

نتیجه سؤال دوم، مؤید آن است که میزان آگاهی رؤسای آموزش و پرورش استان مازندران از اصول یادگیری با کسب میانگین 11/33 در سطح متوسط قرار دارد. این نتایج با نتایج ولی‌پور (1386) دانی‌زاده (1385) و سبحانی (1382)، دانایی (1386)، که بیانگر این مطلب است که آگاهی اکثریت معلمان دوره متوسطه در حد - متوسط می‌باشد، هم‌خوانی دارد. اما یافته‌های پژوهشی عابدی (1383) را که معتقد بود، میزان آگاهی معلمان دوره‌ی ابتدایی از نظریات یادگیری

میزان آشنایی و کاربرد آنان از نظریه‌های یادگیری مؤثر است، را تأیید نمی‌کند.

نتیجه سؤال پنجم مؤید آن است که میزان آگاهی رؤسای آموزش و پرورش استان‌های مازندران از مبانی فلسفی برنامه‌ریزی درسی با رشته تحصیلی مرتبط با لاتری نسبت به رشته تحصیلی غیرمرتبط با علوم تربیتی با کسب میانگین 9/45 قرار دارد. با وجود تفاوت در میانگین نمرات به دست آمده در این زمینه نیز، تفاوت معنی‌داری مشاهده نشده است. یعنی براساس این پژوهش میزان آگاهی رؤسای آموزش و پرورش استان‌های مازندران با رشته تحصیلی (مرتبط و غیرمرتبط با علوم تربیتی) از مبانی فلسفی برنامه‌ریزی درسی حدوداً یکسان است که این نتایج با نتایج دائی‌زاده (1385) که معتقد بود، فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم تربیتی و روان‌شناسی نسبت به سایر رشته‌ها نسبت به مبانی برنامه‌ریزی درسی و روان‌شناسی آگاهی بیشتری دارند، هم‌خوانی ندارد.

نتیجه سؤال ششم مؤید آن است که میزان آگاهی رؤسای آموزش و پرورش استان‌های مازندران از اصول یادگیری با رشته تحصیلی مرتبط با علوم تربیتی، با کسب میانگین 11/92 در سطح بالاتری نسبت به رشته تحصیلی غیرمرتبط با علوم تربیتی با کسب میانگین 10/87 قرار دارد. با وجود تفاوت در میانگین نمرات به دست آمده در این زمینه، تفاوت معنی‌داری مشاهده نشده است. یعنی براساس این پژوهش میزان آگاهی رؤسای آموزش و پرورش استان‌های مازندران با رشته تحصیلی (مرتبط و غیرمرتبط با علوم تربیتی) از

که با وجود تفاوت در میانگین نمرات به دست آمده در این زمینه، تفاوت معنی‌داری مشاهده نشده است. یعنی براساس این پژوهش میزان آگاهی رؤسای آموزش و پرورش استان‌های مازندران با مدرک تحصیلی لیسانس و فوق‌لیسانس از مبانی فلسفی برنامه‌ریزی درسی حدوداً یکسان است. این نتایج با نتایج دائی‌زاده (1385) که معتقد بود، دارندگان مدرک تحصیلی فوق‌لیسانس و بالاتر نسبت به مدارک تحصیلی پایین‌تر از آگاهی بیشتری برخوردارند و محمداوغلی (1388) که معتقد بود مدرک تحصیلی در میزان و آشنایی و کاربرد از مکاتب فلسفی مؤثر است، هم‌خوانی ندارد.

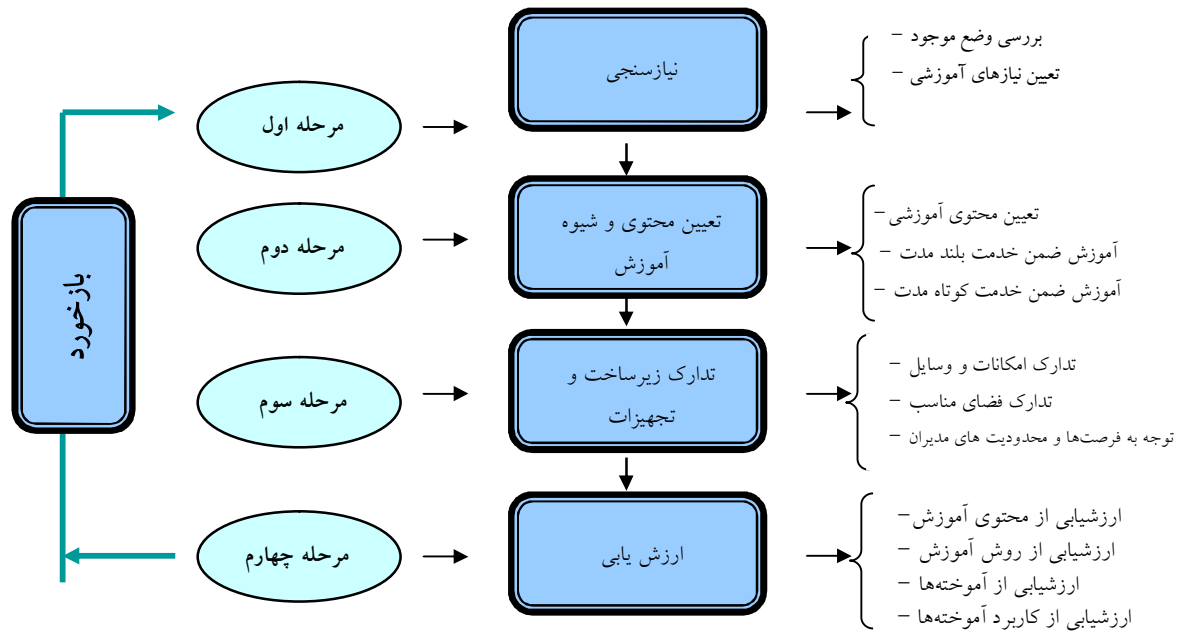
نتیجه سؤال چهارم مؤید آن است که میزان آگاهی رؤسای آموزش و پرورش استان‌های مازندران از اصول یادگیری با مدرک تحصیلی فوق‌لیسانس با کسب میانگین 11/73 در سطح بالاتری نسبت به مدارک تحصیلی پایین‌تر (لیسانس) با کسب میانگین 11/17، قرار دارد. با وجود تفاوت در میانگین نمرات به دست آمده در این زمینه، تفاوت معنی‌داری مشاهده نشده است. یعنی براساس این پژوهش میزان آگاهی رؤسای آموزش و پرورش استان‌های مازندران با مدرک تحصیلی لیسانس و فوق‌لیسانس از اصول یادگیری حدوداً یکسان است. این نتایج با نتایج محمداوغلی (1388)، دائی‌زاده (1385)، عابدی (1383) که معتقد بودند، دارندگان مدرک تحصیلی فوق‌لیسانس و بالاتر نسبت به مدارک تحصیلی پایین‌تر از آگاهی بیشتری برخوردارند و مدرک تحصیلی معلمان در

استان مازندران از مبانی فلسفی برنامه‌ریزی درسی و اصول یادگیری است؛ که این میزان آگاهی مدیران از موارد مذکور بیانگر فاصله و شکاف بین وضع موجود و وضع مطلوب می‌باشد؛ لذا لازم است تا سازمان آموزش و پرورش برای آشنایی و آگاهی هرچه بیشتر رؤسای آموزش و پرورش با دانش روز در حوزه مبانی فلسفی و روان‌شناختی برنامه‌ریزی درسی و اصول یادگیری و به‌طورکلی رسیدن به وضعیت مطلوب، برنامه‌هایی را طراحی و اجرا نماید تا بدین‌وسیله زمینه آگاهی و شناخت رؤسای آموزش و پرورش از موارد مذکور فراهم شود؛ زیرا ارتقای دانش و مهارت‌ها و صلاحیت‌های حرفه‌ای مدیران از مسایل اساسی و اجتناب‌ناپذیر به‌منظور کارآمد ساختن نظام آموزش و پرورش محسوب می‌گردد؛ که علاوه بر این‌که مدیران را در اجرای اثربخش برنامه‌های آموزشی و پرورشی یاری می‌رساند، از بار مسایل و مشکلات نظام آموزشی نیز می‌کاهد. بدین ترتیب با توجه به نتایج تحقیق حاضر، الگوی پیشنهادی ذیل جهت ارتقای دانش و مهارت آموزشی مدیران، طراحی و معرفی شده است.

اصول یادگیری حدوداً یکسان است. این نتایج، یافته‌های پژوهش دائی‌زاده (1385) که معتقد بود، فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم تربیتی و روان‌شناسی نسبت به سایر رشته‌ها آگاهی بیشتری دارند را تأیید نمی‌کند.

براساس نتایج به‌دست آمده در این پژوهش، علی‌رغم معنادار نبودن میزان آگاهی رؤسا از مبانی فلسفی و اصول یادگیری براساس رشته تحصیلی مرتبط و غیرمرتبط با علوم تربیتی و مدرک تحصیلی (لیسانس و فوق‌لیسانس)، ضروری است، مسوولین آموزش و پرورش در انتصاب رؤسا با توجه به رشته تحصیلی (علوم تربیتی و گرایش‌ات آن) و مدرک تحصیلی (فوق‌لیسانس) به‌عنوان یک ضرورت، جهت بهبود مدیریت اثربخش در جهت ارتقای کیفیت آموزش و یادگیری، توجه بیشتری نمایند.

باتوجه به نقش بسیار مهم، حساس و نافذ رؤسای آموزش و پرورش در هدایت جریان آموزش و یادگیری و به‌طورکلی فرآیندهای آموزشی که دربرگیرنده انواع گوناگونی از تصمیم‌گیری‌ها و ارزشیابی‌های آموزشی و تصمیم‌گیری خردمندان و ایجاد وضعیت مطلوب آموزشی است، این امر ضرورت آن را مطرح می‌سازد که مدیران تا حدود زیادی از مهارت‌ها و آگاهی‌های لازم و یا به‌طورکلی در سطح مطلوب از مبانی فلسفی برنامه‌ریزی درسی و اصول یادگیری برخوردار باشند؛ در حالی که اهداف و یافته‌های حاصل از پژوهش و نیز نتایج به‌دست آمده از بررسی پرسش‌های تحقیق مؤید میزان آگاهی در حد متوسط رؤسای آموزش و پرورش



نمودار الگوی پیشنهادی جهت ارتقای دانش و مهارت رؤسای آموزش و پرورش

که امر مدیریت و رهبری در نظام آموزشی کشور مورد توجه قرار گیرد و نظام آموزش و پرورش در جهت آموزش به منظور ارتقای آگاهی مدیران آموزشی در زمینه مبانی فلسفی برنامه‌ریزی درسی و اصول یادگیری در جهت رسیدن به وضعیت مطلوب، اقدامات مؤثری به عمل آورد. به طوری که فیلیپ کومبز در این زمینه می‌گوید: تغییر و تحول در آموزش و پرورش رخ نخواهد داد مگر این که مدیران نظام آموزشی برای شغل خود آموزش دیده باشند." (میرکمالی، 1383)

محتوی جزو کامل کننده‌ی الگو می‌باشد که بایستی با ویژگی‌های شغلی و نیاز مهارتی مدیران و ارتقای آن متناسب باشد. که شامل: 1. اصول و مبانی آموزش و پرورش 2. اصول و فلسفه تعلیم و تربیت 3. تکنولوژی آموزشی 4. آموزش و

برخی از اندیشمندان نیاز را فاصله یا شکافی بین آنچه که هست (وضع موجود) و آنچه باید- باشد (وضع مطلوب) تلقی می‌کنند. (هابرمن¹، 2004) بر این اساس در این بخش باید شرایط موجود شناسایی و بررسی شود؛ یعنی همه فرصت‌ها و محدودیت‌ها و منابع و امکانات موجود مورد توجه قرار گیرند؛ تا بر مبنای آنها، راهبردهای مناسب برای تأمین نیازها و رسیدن به شرایط مطلوب فراهم گردد. لذا با توجه به عملکرد حساس نظام آموزشی در فرآیند تعلیم و تربیت دانش‌آموزان و مأموریت خطیر مدیران آموزشی در هدایت جریان آموزش و یادگیری به ویژه تسهیل جریان رشد و پرورش دانش‌آموزان، و نتایج به- دست آمده از پژوهش، بیش از پیش انتظار می‌رود

¹ . Haberman

نداشته باشد، آموزش مطلوب میسر نمی‌باشد. بنابراین تدارک نیروی انسانی مناسب، تهیه وسایل آموزشی مورد نیاز و تأمین به‌موقع بودجه و منابع مالی و امکانات رفاهی، اجرای مطلوب دوره‌های آموزشی مدیران را ممکن می‌سازد. همچنین تدارک فضای متناسب با نیاز برنامه و انتظارات مدیران و نیز توجه به فرصت‌ها و محدودیت‌های مدیران در فرآیند آموزش، به دلیل ایفای مسئولیت‌های متعدد و به طبع آن مشغله‌ی کاری بسیار که با آن روبرو هستند، توجه به زمان و مکان مناسب را برای برگزاری دوره‌های آموزشی، امری ضروری می‌نماید که نظام آموزش و پرورش لازم است، به موارد مذکور برای استفاده‌ی مطلوب مدیران از دوره‌های آموزشی، توجه کافی نماید.

ارزش‌یابی فرآیندی است که شناخت را ممکن و اتخاذ تصمیم‌های مناسب را میسر می‌سازد. ارزش‌یابی برای دست‌یافتن به میزان تحقق اهداف و مقاصد، جلوگیری از انحرافات و رفع نواقص، ارایه راه‌حل‌های مناسب و کمک به افزایش کارایی و اثربخشی و ... مورد استفاده قرار می‌گیرد. فرآیند ارزش‌یابی شامل چهار مرحله‌ی زیر است که عبارتند از:

الف: مرحله ارزش‌یابی از روش‌های آموزشی

ب: مرحله ارزش‌یابی از محتوای آموزشی

ج: مرحله ارزش‌یابی از آموخته‌ها

د: مرحله ارزش‌یابی از کاربرد آموخته‌ها

در این مرحله نتایج هر مرحله از ارزش‌یابی به صورت بازخورد به قسمت ورودی سیستم بر

پرورش تطبیقی ۴. روان‌شناسی عمومی ۵. روان‌شناسی تربیتی ۶. جامعه‌شناسی تربیتی ۷. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش ۸. مقدمات و اصول برنامه‌ریزی آموزشی و درسی است. یکی از گزینه‌ها برای آموزش موارد فوق‌الذکر جهت بالا- بردن رشد علمی مدیران، حضور آنان در دوره‌های آموزشی ضمن خدمت است. زیرا مسوولین معتقدند که دوره‌های آموزشی ضمن خدمت، قابلیت‌های دانشی و مهارتی و نگرش مناسبی را در مدیران پرورش می‌دهد.

در این شیوه مدیران در ساعاتی غیر از ساعات- کاری، در کلاس‌هایی که به‌منظور بیان‌شده برگزار می‌گردد، حضور یافته و از محتوای آموزشی مطرح‌شده در کلاس بهره‌مند می‌شوند و در پایان دوره موفق به دریافت مدرک تحصیلی خواهند شد. دوره‌های ضمن خدمت بلندمدت معمولاً به‌شکلی پیوسته ظرف یک یا چند سال ادامه می‌یابد.

این دوره‌ها با توجه به هدف و شیوه انجام آن، طیف وسیع‌تری از آموزش ضمن خدمت را در نظام آموزش و پرورش در برمی‌گیرند. این آموزش‌ها که به‌صورت ضمن خدمت یا حین کار ارایه می‌گردند، ممکن است یا به‌صورت کنفرانس‌های علمی با حضور متخصصان فلسفه تعلیم و تربیت و روان‌شناسی و یا به‌صورت گردهمایی و کارگاه‌های آموزشی و تشکیل کلاس‌ها برگزار شوند.

بخش دیگر الگوی پیشنهادی زیر ساخت و تجهیزات است. در این بخش با تدارک امکانات لازم می‌توان زمینه‌ی اجرای آموزش را فراهم- ساخت. تا امکانات و تجهیزات کافی وجود

اثربخش در جهت ارتقای کیفیت آموزش و یادگیری، توجه بیشتری نمایند.

3. باتوجه به یافته های پژوهش، در زمینه ی میزان

آگاهی رؤسای آموزش و پرورش از اصول یادگیری و میزان آگاهی متوسط رؤسا در این - زمینه پیشنهاد می شود، در برنامه های آموزش ضمن خدمت، دوره های آموزشی ویژه ای برای آشنایی با اصول و روش های یادگیری برای مدیران برگزار گردد.

4. شناخت مبانی تعلیم و تربیت، برنامه ریزی

درسی و اصول و روش های یادگیری بخش جدایی ناپذیری از حرفه آموزشی مدیران آموزش و پرورش می باشد. براین اساس تجدیدنظر اساسی در زمینه میزان و محتوی واحد درسی فلسفه تعلیم و تربیت و نظریات و اصول و روش های یادگیری در دوران - دبیری، از ضرورت های اساسی است و پیشنهاد می شود، تا در برنامه های درسی دانشگاه های مرتبط با تربیت معلمان واحدهای درسی بیشتری در خصوص موارد مذکور طراحی و گنجانده شود تا اهمیت درک فلسفه تعلیم و تربیت و اصول و روش - های یادگیری مؤثر، روشن و دانشجویان ترغیب گردند تا بهره بیشتری از این مباحث ببرند.

5. باتوجه به وجود تفاوت های فردی در مدیران

در زمینه میزان آگاهی و شناخت مبانی تعلیم و تربیت، برنامه ریزی درسی و اصول و روش - های یادگیری پیشنهاد می شود برنامه ریزان آموزش ضمن خدمت مدیران، براساس

می گردد و کنترل و اصلاح جریان آموزشی را تا پایان مرحله ارزش یابی ممکن می سازد.

پیشنهادها

باتوجه به اهمیت آموزش و غنی سازی نیروی - انسانی در آموزش و پرورش و نقش تعیین کننده آنها در فرآیند تعلیم و تربیت، براساس یافته های تحقیق، پیشنهادهایی به شرح زیر به منظور ارتقای - دانش و مهارت های مدیران ارایه می گردد.

1. باتوجه به یافته های پژوهش در زمینه ی میزان -

آگاهی در خدمت متوسط رؤسای آموزش و پرورش استان مازندران از مبانی فلسفی تعلیم و تربیت و برنامه ریزی درسی، پیشنهاد می - شود، آموزش و پرورش به منظور تربیت و توانمندسازی حرفه ای و به سازی مدیران، کارگاه های آموزشی را طراحی و اجرا نماید تا از طریق آن زمینه ی آگاهی و شناخت بیشتر مدیران از موارد مذکور بیش از پیش فراهم شود.

2. یافته های پژوهش نشان داد، رؤسای آموزش و

پرورش استان مازندران با رشته تحصیلی مرتبط (علوم تربیتی و گرایشات آن) و مدرک تحصیلی بالاتر (فوق لیسانس) در زمینه ی آگاهی و شناخت از فلسفه تعلیم و تربیت، برنامه ریزی درسی و اصول یادگیری موفق تر از سایرین بوده اند، براین اساس ضروری است، مسوولین آموزش و پرورش در انتصاب رؤسا باتوجه به رشته تحصیلی (علوم تربیتی و گرایشات آن) و مدرک تحصیلی به - عنوان یک ضرورت، جهت بهبود مدیریت

زمینه امکان ایجاد زمینه و فرصت مناسب را جهت ارتقای مدارک مدیران آموزشی، از طریق راه‌یابی آنان به دانشگاه فرهنگیان فراهم نماید.

مطالعات و نیازسنجی دقیق به برگزاری کارگاه‌های آموزشی موردنیاز مدیران در این موارد اقدام نمایند.

6. پیشنهاد می‌شود وزارت آموزش و پرورش با ایجاد فرصت‌های مطالعاتی، رؤسای آموزش و پرورش خود را همگام با تحولات مداوم، از اهداف متغیر آموزش و پرورش و شرایط و نیازهای آموزشی باتوجه به آخرین تغییرات در کشورهای مختلف آگاه نماید.

7. جهت تشویق رؤسای آموزش و پرورش به تحقیق در زمینه‌های آموزشی پیشنهاد می‌شود، زمینه مشارکت آنان در کنفرانس‌های علمی که توسط متخصصان فلسفه تعلیم و تربیت و روان‌شناسی برگزار می‌گردد، فراهم آید. تا بدین وسیله آنان با دیدگاه‌های مختلف تربیتی و پیامدهای آموختن این مهم و آخرین یافته‌های مربوط به اصول یادگیری آشنا شوند و مهارت‌های ایشان در این خصوص ارتقاء داده شود.

8. امروزه استفاده از اینترنت یکی از معیارهای باسوادی به‌شمار می‌آید. لذا پیشنهاد می‌شود آموزش و پرورش استان‌ها ضمن معرفی سایت‌های معتبر آموزشی، شرایط دسترسی آسان به این سایت‌ها را برای مدیران خود فراهم آورند.

9. استفاده از امکانات آموزشی دانشگاه‌ها و مراکز عالی کشور می‌تواند زمینه‌ی بازآموزی گسترده‌ی نیروی انسانی شاغل در فعالیت‌های آموزشی و پرورشی را فراهم نماید. لذا پیشنهاد می‌شود آموزش و پرورش در این

منابع

7. ولیپور، احمد، 1386، میزان آگاهی معلمان دوره راهنمایی از مبانی برنامه ریزی درسی و اصول یادگیری به منظور ارائه الگوی عملی جهت ارتقای دانش و مهارت های آنان، پژوهشنامه تربیتی، شماره نوزدهم، دانشگاه آزاد واحد بجنورد.
8. یارمحمدیان، محمد حسین، 1377، اصول برنامه ریزی درسی، تهران، انتشارات یادواره کتاب
- 9- Hubearman, T. (2004) Teachers , Profesional Growth and Improvement. Unesco
- 10- Hong, H-J. (1996). Possibilities and Limitations of Teacher Participation Curriculum Development. The case of the Korean primary school, unpublished Doctoral Disseration
- 11- Ornstein, A and Hankins, F. (1997). Curriculum, Foundations, Principles and Issues, 2 nded. Boston.
1. ارنشتاین، الن سی و هانکینز، فرانسیس پی. (1384)، مبانی، اصول و مسائل برنامه درسی، ترجمه قدسی احقر، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
2. دائی زاده، علیجان، میزان آگاهی معلمان دوره متوسطه از مبانی برنامه ریزی درسی و اصول یادگیری، 1385، دانش و پژوهش در علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)، شماره سیزدهم
3. سبحانی، مهدی. (1382)، «بررسی میزان شناخت اعضای هیأت علمی رشته های علوم انسانی دانشگاه های تهران از چهار دسته نظریه های یادگیری و به کارگیری آنها در تدریس»، تهران، رساله دکتری.
4. سمیعی، سوسن. (1365)، «بررسی میزان آگاهی مربیان مدارس عالی دانشکده های پرستاری تهران در مورد روش تدریس و برنامه ریزی درسی»، تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد.
5. میرکمالی، سید محمد، 1386، رهبری و مدیریت آموزشی، تهران، نشر یسطرون، چاپ هفدهم.
6. نوبخش دهکردی، خدیجه، 1383، بررسی مهارت های موجود مدیران دبیرستان دخترانه شهر اصفهان و مقایسه آن با مهارت های مورد نیاز مدیران آموزشی، فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش، دوره دهم، شماره مسلسل

